

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 21, No. 4, Summer 2021, 45-64
Doi: 10.30465/CRTLS.2020.30502.1816

A Critical Review on the Book **“Fundamentals of Behavioral Economics and Finance”**

Narges Hajimoladarvish*

Abstract

The *Fundamentals of behavioral economics and finance* by Ali Saidi and Seyed Mohamad Javad Farhanian was first published in 2012 and the second edition was out in 2015. While the book covers a wide variety of subjects in behavioral economics and finance, it fails to logically connect the materials together within a broader context. The authors neither provided theoretical foundations nor investigated applied aspects of behavioral economics and finance systematically. Furthermore, a good deal of materials is translated from English. The authors provide a list of behavioral biases followed by prescriptions to fight against them without proving that increasing information cause behavior change. This is not consistent with an evidence-based approach to behavioral economics and finance. Moreover, the existence of personal and unproven prescriptions in the book is simply unscientific that undermines the credibility of behavioral economics and finance.

Keywords: Behavioral Economics, Behavioral Finance, Behavioral Biases, Cognitive Biases

* Assistant professor, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran,
n.moladarvish@alzahra.ac.ir

Date received: 12/12/2020, Date of acceptance: 18/05/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

نقد کتاب مبانی اقتصاد و مالی رفتاری

نرگس حاجی ملا درویش*

چکیده

کتاب مبانی اقتصاد و مالی رفتاری توسط علی سعیدی و سید محمدجواد فرهانیان در سال ۱۳۹۱ تألیف و در سال ۱۳۹۴ تجدید چاپ شده است. کتاب طیف وسیعی از موضوعات مطرح در اقتصاد و مالی رفتاری را پوشش می‌دهد، اما میان مطالب ارائه شده اتصال منطقی وجود ندارد و ایده‌های خرد در یک بستر کلان قرار نگرفته‌اند. نویسندگان نه ابعاد نظری اقتصاد و مالی رفتاری را به صورت منسجم و نظام‌مند ارائه کرده‌اند و نه ابعاد کاربردی آن را. علاوه بر این، حجم مطالب ترجمه شده از انگلیسی بسیار زیاد است. نویسندگان بدون اینکه ثابت کرده باشند که افزایش اطلاعات باعث تغییر رفتار می‌شود، پس از فراهم کردن فهرستی از انواع سوگیری‌ها، تجویزهایی برای مقابله با آن‌ها ارائه کرده‌اند که با ماهیت رویکرد شاهدمحور در اقتصاد و مالی رفتاری سازگار نیست. وجود برخی برداشت‌های شخصی و اثبات نشده در کتاب به‌سادگی غیرعلمی است و اعتبار اقتصاد و مالی رفتاری را خدشه‌دار می‌کند.

کلیدواژه: اقتصاد رفتاری، مالی رفتاری، سوگیری‌های (تورش‌های) رفتاری، سوگیری‌های شناختی.

۱. مقدمه

اقتصاد و مالی رفتاری نه تنها به‌عنوان یک شاخه علمی بلکه به‌عنوان موضوعی در سیاست‌گذاری عمومی مورد توجه بسیاری قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین بینش‌های این شاخه در سیاست‌گذاری عمومی مبتنی بر این یافته است که انسان‌ها به دلایل مختلف

* استادیار اقتصاد، عضو هیأت علمی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران، n.moladarvish@alzahra.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۸

از جمله محدودیت‌های شناختی و برخی از سوگیری‌های رفتاری نمی‌توانند همواره بهترین گزینه را انتخاب کنند. هدف اقتصاد و مالی رفتاری مطالعه خطاها و سوگیری‌های نظام‌مندی است که منجر به توضیح و پیش‌بینی بهتر رفتار اقتصادی افراد شود. در نقطه مقابل، پیش‌فرض همه مدل‌های اقتصاد و مالی متعارف انتخاب بهترین گزینه توسط افراد است. به همین علت، جدال و تقابل میان اقتصاد و مالی متعارف و رفتاری اجتناب‌ناپذیر و مناقشه‌برانگیز است.

نکته آموزنده در جدال بین طرفداران اقتصاد و مالی متعارف و اقتصاد و مالی رفتاری، غایبی و نهایی نبودن نظریه‌ها است که دنی رودریک (Dani Rodrik) در کتاب صحت‌وسقم این علم ملال‌آور (Economics Rules: Why Economics Works, when it Fails, and how to Tell the Difference) به آن می‌پردازد. رودریک تأکید می‌کند که ما در علم اقتصاد با سبدهای نظریه‌های مختلف روبرو هستیم که هر کدام جنبه‌ای از واقعیت را تبیین می‌کنند و هنر یک اقتصاددان انتخاب مناسب میان آن‌ها است. به عقیده تیلر (۲۰۱۵)، مطالعات تجربی و آزمایشگاهی هستند که مشخص می‌کنند در هر موقعیت باید از چه نظریه‌ای استفاده کرد.

با وجود اینکه ایرانیان جزء سریع‌ترین دنبال‌کننده‌های اقتصاد و مالی رفتاری نبوده‌اند، اما میزان توجه بازار نشر و محققین ایرانی به اقتصاد و مالی رفتاری در دهه ۹۰ شگفت‌انگیز است. در این میان، کتاب مبانی اقتصاد و مالی رفتاری نوشته علی سعیدی و سید محمدجواد فرهانیان از اولین منابع تألیفی در این حوزه است. کتاب به تقابل میان انسان اقتصادی‌ای که در نظریه‌های اقتصاد و مالی متعارف فرض می‌شود و انسان عادی‌ای که موضوع اقتصاد و مالی رفتاری است می‌پردازد و تمرکز ویژه‌ای بر معرفی سوگیری‌ها (تورش) و خطاهای تصمیم‌گیری دارد. حجم شواهد و مطالب گردآوری شده در کتاب شگفت‌انگیز است، اما میان مطالب ارائه‌شده اتصال منطقی وجود ندارد و ایده‌های خرد در یک بستر کلان قرار نگرفته‌اند.

اهمیت نقد و بررسی این کتاب از این جهت است که با وجود قطبی بودن فضا پیرامون برخی مسائل مانند اینکه آیا می‌توان بر بازارها غلبه کرد، یوجین فاما (Eugene Fama) از بنیان‌گذاران مالی متعارف و ریچارد تیلر (Richard Thaler) از بنیان‌گذاران مالی رفتاری، در مورد بسیاری از موضوعات توافق دارند. ریچارد تیلر هم مانند عده زیادی در اقتصاد و مالی رفتاری معتقد است که بهترین راه توصیف رفتار اقتصادی انسان مدل نئوکلاسیک است، اما این مدل نمی‌تواند برخی رفتارها را توضیح دهد و به‌سادگی غلط است. در واقع تمام

مدل‌ها غلط هستند و صرف وجود شواهد متناقض باعث کنار گذاشتن مدل‌های پیشین نمی‌شود. در مواجهه با سوگیری‌ها و خطاهای انسانی، محققین رفتاری به نحوه تاثیرگذاری این سوگیری‌ها بر تصمیمات افراد پرداخته و به دنبال شناسایی سوگیری‌های تعیین‌کننده در رفتارهای به‌ظاهر غیرعقلایی (معادل صحیح Irrational در فارسی غیرعقلانی است، اما متأسفانه به غلط غیر عقلایی رایج شده است. به همین جهت، در این مقاله هم راستا با کتاب از «عقلایی» استفاده شده است.) هستند. پرسیده می‌شود که آیا سیاست‌گذاران و مشاوران مالی می‌توانند بر این سوگیری‌ها غلبه کنند؟ و درنهایت اینکه بهترین راه تصمیم‌گیری در بافتارهای مختلف چیست؟ متأسفانه کتاب حاضر با وجود فراهم کردن فهرستی از سوگیری‌ها بدون اینکه به این پرسش‌ها به صورت کافی بپردازد، اقدام به فراهم کردن تجویزهایی برای مقابله با آن‌ها کرده است.

این مقاله به معرفی و نقد کتاب مبانی اقتصاد و مالی رفتاری می‌پردازد. بخش دوم به معرفی رئوس مطالب ارائه‌شده در کتاب پرداخته و بخش سوم خاستگاه اثر را تبیین می‌کند. بخش چهارم به نقد شکلی اثر می‌پردازد. محتوای اثر در بخش پنجم و بر اساس شیوه‌نامه مجله موردبررسی و مذاقه قرار می‌گیرد. بخش نتیجه‌گیری، تأملات نهایی در خصوص محتوای اثر و جایگاه آن را ارائه می‌کند و درنهایت پیشنهادهاى کاربردی ارائه می‌شوند.

۲. معرفی و نقد کلی اثر

کتاب مبانی اقتصاد و مالی رفتاری توسط علی سعیدی و سید محمدجواد فرهانیان در چهار بخش و دوازده فصل به رشته تحریر درآمده است. این کتاب جزو اولین منابع تألیفی فارسی در حوزه اقتصاد و مالی رفتاری است که توسط انتشارات بورس در سال ۱۳۹۱ چاپ و در سال ۱۳۹۴ تجدید چاپ شده است. با توجه به شرایط بازار نشر ایران، تجدید چاپ این کتاب موفقیت بزرگی است. تمرکز اصلی کتاب بر مالی رفتاری است و مطالب گردآوری شده در کتاب بسیار ارزنده هستند.

بخش اول با عنوان مروری بر ادبیات اقتصادی از مکتب کلاسیک تا مکتب رفتاری از ضوابط انتزاعی مفروض در اقتصاد کلاسیک به منظور استفاده از ریاضیات شروع می‌شود و شرح می‌دهد که چگونه دیدگاه‌های انتقادی شکل گرفته و بنیان نظری مستحکم و غیرقابل تزلزل مکتب نئوکلاسیک به چالش کشیده شده است. زیاده‌خواهی انسان اقتصادی به‌عنوان دلیل استفاده از مدل‌های بهینه‌ساز معرفی می‌شود. فارق از اینکه انسان‌ها زیاده‌خواه هستند

یا خیر، مقداری کج‌فهمی در این استدلال نهفته است زیرا بهینه‌سازی و رویکرد تعادلی روش علم اقتصاد برای تبیین مسائل است و نمی‌توان استفاده از این رویکرد را منوط به زیاده‌خواهی انسان‌ها دانست. چه‌بسا که رویکرد بهینه‌سازی در برخی از مهم‌ترین نظریه‌های رفتاری از جمله نظریه چشم انداز کاهنمان و تورسکی (۱۹۷۹) که در کتاب به نظریه دورنما ترجمه شده است هم وجود دارد.

بخش دوم به ارائه نظریه‌های بنیادی در اقتصاد و مالی رفتاری می‌پردازد و می‌پرسد که نظریه‌های لازم برای تبیین رفتار عادی با رفتار عقلایی چه فرقی دارند. علی‌رغم اینکه به این پرسش پاسخی داده نشده است، مطالب بخش دوم کتاب بسیار خلاصه هستند و به سیر تطور دیدگاه‌های اقتصاد و مالی رفتاری نمی‌پردازند.

بخش سوم به سوگیری‌های رفتاری و تناقض‌های علم اقتصاد و مالی متعارف اختصاص پیدا کرده است. این بخش در سه فصل به نام‌های «تصمیم‌گیری شهودی»، «تورش‌های شناختی» و «چارچوب شناختی» به انواع سوگیری‌های رفتاری می‌پردازد. در اغلب موارد برای سوگیری توصیف شده مثال‌های متعددی فراهم شده است، اما آزمون تشخیصی معرفی نشده و وجه تمایز برخی سوگیری‌های مشابه تعیین نشده است.

در بخش چهارم، برخی مباحث خاص مالی رفتاری بیان می‌شود. تمرکز اصلی این بخش بازار اوراق بهادار و واکنش‌های رفتاری در آن از جمله بیش‌واکنشی، کم‌واکنشی و رفتار توده‌وار است. واکنش‌های رفتاری به‌عنوان دلیلی برای فاصله گرفتن بازار از کارایی مطرح می‌شوند، اما روش‌های اصلی و بحث‌های پیرامون کارایی بازار مانند نوسانات بیش‌ازحد گزارش نمی‌شوند. در فصل آخر کتاب شاخص‌های اندازه‌گیری احساسات در بازار اوراق بهادار و مدل‌های اندازه‌گیری ارائه شده‌اند.

۳. خاستگاه اثر

کتاب مبانی اقتصاد و مالی رفتاری به عنوان یک اثر تألیفی ارائه شده است، درحالی‌که بهتر بود تحت عنوان ترجمه و تألیف چاپ می‌شد. بسیاری از مطالب کتاب ترجمه عینی مقالات بدون کوچک‌ترین تغییری است. برای مثال، در فصل دهم فقط از مدل ارائه شده در باربریس و همکاران (۱۹۹۸) استفاده نمی‌شود، بلکه تعاریف کم‌واکنشی و فرا واکنشی که در ابتدای فصل آمده است نیز مربوط به مقاله مذکور هستند و با آنچه اکثر افراد در مالی رفتاری فرض می‌کنند متفاوت است. باوجود اینکه هیچ اشکالی برای استفاده از این منابع

وجود ندارد، اما نویسندگان با گزینش و چندپاره کردن متن مقاله مذکور، فهم مطالب را دشوار کرده‌اند. برای مثال، هیچ توضیحی برای اینکه چرا در تعریف کم واکنشی از یک دوره و در تعریف بیش واکنشی از چند دوره استفاده می‌شود ارائه نشده است.

در سخن نویسندگان، کتاب به‌عنوان تألیفی از تحقیقات سال‌های اخیر اندیشمندان رشته‌های روانشناسی، اقتصاد و مالی معرفی می‌شود که چیدمانش به گونه‌ای است که خوانندگان را برای ورود به مباحث پیشرفته‌تر آماده کند، درحالی‌که کتاب به‌گراوری برخی از مهم‌ترین یافته‌های علوم رفتاری و ارائه‌گزینه‌های برخی از نظریه‌ها پرداخته و در بسیاری از موارد فرض می‌کند که خواننده با ادبیات موضوع آشنا است. برای مثال، فروض بنیادین استفاده‌شده در باربریس و همکاران (۱۹۹۸) نقل نمی‌شود. فهم مطالب ارائه‌شده در فصل دهم مشروط به این است که خواننده بداند که مدل فرض می‌کند یک سرمایه‌گذار و دارایی وجود دارد و باورهای سرمایه‌گذار قیمت و بازدهی را تعیین می‌کند. این مسئله باعث شده است که مخاطب کتاب مشخص نباشد. در سخن نویسندگان تأکید شده است که تلاش شده تا خوانندگان با مبانی نظری آشنا شوند و از موضوعات کاربردی نیز آگاه گردند. این تلاش در بسیاری از موارد گمراه‌کننده است، زیرا مبانی نظری به‌صورت دقیق ارائه نشده است و در برخی موارد موضوعات کاربردی برداشت‌های شخصی نویسندگان هستند و نه آنچه در ادبیات مطرح است.

انگیزه نویسندگان از پرداختن به موضوع اقتصاد رفتاری توفیق بیشتر نظریه‌های رفتاری در تبیین پدیده‌های اقتصادی و مالی و تأثیر زیاد عوامل احساسی بر رفتار افراد هر جامعه عنوان می‌شود. اما کتاب تلاشی برای تبیین این موضوع نمی‌کند. برای مثال، گذار از نظریه مطلوبیت مورد انتظار به نظریه چشم‌انداز بهترین مجال برای این مهم است و حجم وسیعی از مستندات و شواهد در این زمینه موجود است. کتاب هیچ مثالی از این توفیقات نمی‌زند و به ذکر تناقض‌ها بسنده می‌کند.

از سوی دیگر، کتاب هیچ اشاره‌ای به انتقادهای واردشده به مالی رفتاری نمی‌کند و تناقض‌های نظریه‌های رفتاری را مطرح نمی‌کند. برای مثال، منتقدین اولیه اقتصاد و مالی رفتاری بسیاری از پدیده‌های رفتاری را حکایت و داستان دانسته‌اند که جامعیت ندارند (استمن، ۲۰۱۴). عدم توجه به انتقادات واردشده در فهرست گسترده سوگیری‌ها تحت سه عنوان تصمیم‌گیری شهودی، تورش‌های شناختی و چارچوب شناختی نمایان می‌شود. پرسشی که برای خواننده مطرح می‌شود این است که دانستن این سوگیری‌ها چه

سودی دارد؟ آیا علم به این سوگیری‌ها باعث تصمیم‌های بهتر در بازار سهام می‌شود؟ جای بحث جالب بین طرفداران فرضیه بازارهای کارا و مخالفان آن (مالی رفتاری) که در جایزه نوبل ۲۰۱۳ هم نمایان است به شدت خالی است. انتظار بر این است که کتابی با عنوان مبانی اقتصاد و مالی رفتاری به موضوعی مانند «آیا می‌شود بر بازار غلبه کرد» پردازد. بخش دوم کتاب بدون اینکه نحوه عزیمت از نظریه‌های اقتصاد متعارف به نظریه‌های اقتصاد رفتاری را توضیح دهد به ارائه نظریه‌های بنیادی در اقتصاد و مالی رفتاری می‌پردازد. کتابی که ادعای نظری بودن دارد از سیر تحولات نظریه‌ها و تجربی شدن آن‌ها غافل است. برای مثال، نظریه مدل قیمت‌گذاری دارایی ارائه‌شده در فاما و فرنچ (۲۰۱۵) که به صورت ویژه برخاسته از مشاهدات و داده‌ها است هیچ جایی در کتاب ندارد. کتاب به صورت کلی نظریه‌ها را به صورت غیررسمی و بدون جزئیات ارائه کرده است و به همین دلیل برای خوانندگان ناآشنا با مطالب مناسب نیست. کتاب مبانی اقتصاد و مالی رفتاری بدون برقرارکردن پلی میان یافته‌های متنوع اقتصاد و مالی رفتاری، انتخابی گزینشی است از انواع خطاهای شناختی و رفتاری مؤثر در تصمیم‌گیری و نظریه‌های رفتاری. علاوه بر این، در ترجمه برخی مطالب مشخص نیست که آن‌ها سوگیری هستند و یا فرآیند مکاشفه‌ای. برای مثال در توضیحات مربوط به دسترسی اطلاعات، گاهی از آن به عنوان سوگیری و گاهی به عنوان فرآیند مکاشفه‌ای اسم برده شده است.

بخش سوم کتاب که با عنوان تناقض‌های علم اقتصاد و مالی متعارف به سوگیری‌های رفتاری می‌پردازد را می‌توان در میان کتاب‌هایی دیگری که به سوگیری‌ها و رفتار غیرعقلایی می‌پردازند قرارداد. برخی کتاب‌های ترجمه‌شده در این حوزه عبارت‌اند از «قوی سیاه»، «هنر شفاف اندیشیدن»، «نابخردی‌های پیش‌بینی پذیر»، «تلنگر» و «دانش مالی رفتاری و مدیریت دارایی». به صورت کلی اساس تقسیم‌بندی سوگیری‌ها در فصول ۷ و ۸ مشخص نیست. بخش چهارم که به واکنش‌های رفتاری در بازار اوراق بهادر می‌پردازد خیلی کاربردی نیست، زیرا فقط به ذکر یافته‌ها پرداخته و نحوه دستیابی به آن‌ها را کامل توضیح نداده است. برای مثال، کتاب «اقتصادسنجی مالی» نوشته بروکس (۲۰۱۴) که بخشی از آن به فارسی ترجمه شده است آزمون بیش واکنشی را بسیار بهتر توضیح داده است.

۴. نقد شکلی اثر

علی‌رغم اینکه کتاب مبانی اقتصاد و مالی رفتاری دو نویسنده دارد، اما سبک و سیاق متن یکدست و سازگار است، منتها برخی قواعد عمومی نگارش متون علمی در آن رعایت نشده است که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود. در متون علمی فارسی رسم بر این است که اسامی به فارسی نوشته شوند و انگلیسی آن‌ها در پانویس قرار گیرد. در معدود مواردی که اسامی به فارسی بیان شده‌اند غلط هستند، برای مثال «گر» به جای «گرثر» (Grether).

دلیل قرار گرفتن بسیاری از نمودارها در کتاب مشخص نیست و اصلاً هیچ ارجاعی در متن به آن‌ها وجود ندارد. برای مثال، رجوع کنید به صفحات ۳۶، ۲۸۵، ۲۹۲، ۳۱۹، ۳۷۹، ۳۹۰، ۴۰۹. در متون علمی، فراهم کردن نمودار و جدول به‌منظور پرهیز از نگارش زیاد و خلاصه کردن مطالب است و برای زینت بخشیدن به متن نیست. علاوه بر این، ارجاع به نمودارها باید توسط عناوین آن‌ها صورت گیرد و عباراتی مانند «نمودار زیر» و یا «نمودار بالا» که در صفحه ۲۵۴ استفاده شده حرفه‌ای نیست.

کتاب از لحاظ نحوه رعایت قواعد عمومی نگارش و ویرایش هم ایراداتی دارد. برخی از این اشتباهات عبارت هستند از:

- صفحه ۷ «نظریه نظریه» به جای «نظریه شامل نظریه».
- در بسیاری موارد به جای «.» از «،» استفاده شده است که روان بودن متن را دچار خدشه می‌کند. برای مثال، رجوع کنید به انتهای صفحه ۷.
- صفحه ۹ عبارت «ساختار بنیان اجتماعی کنونی بشر، به اعتقاد جامعه شناسان متأثر از نظام اقتصادی هر جامعه است» کاملاً اضافی و نامربوط به بقیه متن است.
- صفحه ۱۰ «گروه سوم» به جای «موج سوم».
- صفحه ۱۲ تاریخ ارجاع به ویلن یک‌بار ۱۹۰۰ و بار دیگر ۱۸۹۸ ذکر شده است.
- صفحه ۲۰ «فرضیه» به جای «فرض».
- صفحه ۲۴ «کویک» به جای «سریع».
- صفحه ۲۵ عبارت «نخستین اصل قاعده بی‌زی استفاده از روش حداکثر راست‌نمایی است» بی‌معنی است.
- صفحه ۲۸ محل قرار گرفتن ارجاع به لیارد و همکاران (۱۹۸۷) باید قبل از جمله آخر باشد.
- صفحه ۳۳ «SEC» قبلاً معرفی نشده است.

- صفحه ۳۵ «افراد» به جای «فرد».
- صفحه ۳۸ که صحبت از بنیان‌گذار شیوه تحلیلی می‌شود احتیاج به منبع دارد.
- صفحه ۴۰ «ب ا» به جای «با»
- صفحه ۴۳ معادله به صورت « $\bar{r}_i = r_i + a_i$ » نوشته شده و در توضیحات مربوط به آن صحبت از « \bar{r}_i » می‌شود.
- صفحه ۴۳ «قضیه جداسازی» احتیاج به پانویس دارد و مشخص نیست که چرا برجسته است.
- صفحه ۴۷ تشکیک طرفداران کینز نسبت به فروض مکتب کلاسیک احتیاج به منبع دارد.
- صفحه ۴۸ «انتظارات ثابت» به جای «انتظارات باثبات»
- صفحه ۲۸۲ «مهم‌ترین یافته روانشناسی قضاوت این است که انسان‌ها بیش اطمینان‌اند» در فارسی معنی نمی‌دهد.
- صفحه ۲۸۸ «دوام» به جای «تداوم».
- صفحه ۳۰۴ در مثال ذکر شده یکجا صحبت از بانک «ب» می‌شود و جای دیگر از بانک «ملت».
- صفحه ۳۰۶ «۱۵،۵» به جای «۱۵/۵»
- صفحه ۳۲۳ «نزدیک‌بین‌انه» به جای «کوته بینانه»
- صفحه ۳۲۴ محل پانویس اشتباه است.
- صفحه ۳۳۳ «ریسک‌گریز» به جای «ریسک‌پذیر». در همین صفحه در مثال ۳ صحبت از سؤال اول می‌شود که مشخص نیست کدام سؤال؟
- صفحه ۳۳۴ احتمالاً منظور از «برنامه چهارم» گزینه «د» است.
- صفحه ۳۳۹ ابتدا از فرضیه دوره عمر پس‌انداز صحبت می‌شود و سپس در صفحه بعد پانویس انگلیسی آن آورده می‌شود. البته که اغلب اقتصاددانان از فرضیه پس‌انداز در طول عمر استفاده کرده‌اند.
- صفحه ۳۴۵ صحبت از مرحله ویرایش در تئوری دورنما می‌شود، در حالی که پیش‌تر در معرفی نظریه صحبتی از آن و تقدم و تأخر آن نشده است.

- صفحه ۳۴۷ «سبدی» باید «سبید» باشد.
- صفحه ۳۴۸ معادل انگلیسی «قیمت‌گذاری اختیار معامله» بهتر بود در پانویس قرار می‌گرفت.
- صفحه ۳۷۳ «س هام» به جای «سهام».
- صفحه ۳۸۹ «برنده سبید» به جای «سبید برنده».
- صفحه ۳۹۴ در فرمول یک [] جاافتاده است.
- صفحه ۳۹۶، «نامطمئنی» به جای «نا اطمینانی».
- صفحه ۴۰۱ «بیش اطمینان» به جای «بیش اطمینانی»
- صفحه ۴۰۸ «دارند» به جای «دارند».
- صفحه ۴۱۱ «۱t-» به جای «t-1».
- از «تئوری» و «پارادوکس» به جای «نظریه» و «تناقض» استفاده شده است.
- در ترجمه «Framing effect» به «اثر چارچوب شناختی» عبارت شناختی اضافه است.

۵. نقد محتوایی

۱,۵ نقد درون ساختاری

عنوان بخش اول کتاب به هیچ وجه گویا نیست. «مروری بر ادبیات اقتصادی از مکتب کلاسیک تا مکتب رفتاری» فقط در بردارنده فصل اول کتاب است و سه فصل دیگر را نمایندگی نمی‌کند. علاوه بر این، مکتب رفتاری با آنچه اقتصاد و مالی رفتاری در بردارد متفاوت است. وقتی صحبت از مکاتب مختلف در عنوان می‌شود خواننده انتظار دارد سیرتحوالات این مکاتب مطرح شود و به تناقضات مکاتب کلاسیک و نئوکلاسیک بسنده نشود.

در قسمت مروری بر مبانی نظری اقتصاد متعارف نوشته شده است که واژگانی مانند اقتصاد متعارف، اقتصاد مدرن و دیدگاه سستی همگی دایر بر مکاتبی است که بیش از مالی رفتاری وجود داشته‌اند. فارق از اینکه دیدگاه سستی معنی ندارد، هم‌ارز قرار دادن این واژگان

و توضیح ارائه‌شده قابل توجه نیست زیرا مکاتب بسیار متفاوتی قبل از مالی رفتاری به وجود آمده‌اند که طبقه‌بندی آن‌ها به مدرن و سنتی جایز نیست.

نویسندگان در بسیاری از موارد پس از معرفی برخی سوگیری‌ها و قواعد سرانگشتی به ارائه مثال‌هایی می‌پردازند که لزوماً درست نیستند. برای مثال، صفحه ۲۶۱ پس از معرفی شهود نمایندگی عنوان می‌شود که تقاضای بالای سهام بانک پاسارگاد هنگام عرضه عمومی اولیه پس از موفقیت سهام بانک‌ها در بورس تهران از این دست است. این مثال تلقی نویسندگان است و مورد آزمون قرار نگرفته است. در صفحه ۳۳۰ وقتی صحبت از معکوس شدن رجحان (واژگونی ترجیحات) می‌شود، مثال آورده شده مربوط به اثر چارچوب است. به صورت کلی نویسندگان برخی از یافته‌های مشخص اقتصاد رفتاری که معنی مشخصی می‌دهند را به جای هم استفاده کرده‌اند. از طرف دیگر، تعریف ارائه‌شده برای «اثر مالکیت» در صفحه ۲۸۸ با تعریف اصلی آن مغایر است. علاوه بر این، در صفحه ۳۰۵، نویسندگان پس از معرفی سوگیری مالکیت می‌نویسند «تمامی افراد این تورش را هرروز احساس می‌کنند». عمومیت دادن به یافته‌های آزمایشگاهی که مبتنی بر میانگین‌ها هستند و جملاتی از این قبیل نه تنها غلط هستند، بلکه اعتبار یافته‌های اقتصاد رفتاری را دچار خدشه می‌کنند.

۲,۵ نقد منابع اثر

اغلب منابع ارجاع داده‌شده در کتاب از جهت علمی بسیار معتبر هستند. اما، میزان استفاده و نحوه ارجاع به آن‌ها مناسب نیست. در بسیاری از موارد ذکر می‌شود که گروهی از تحقیقات یک فرضیه را رد و گروهی آن را تأیید می‌کنند که از ویژگی‌های مالی رفتاری است، اما متأسفانه هیچ منبعی ذکر نمی‌شود. برای نمونه رجوع کنید به صفحه ۳۵ که نوشته‌شده «نتیجه تحقیقات انجام‌شده عموماً از کارایی بازار سهام در سطح نیمه کارا حکایت دارد» که هیچ منبعی ندارد. مستندات صفحه ۵۲ که به تفاوت اقتصاد خرد و کلان می‌پردازد فقط داستان و حکایت است، درحالی‌که در این زمینه کارهای بسیار جالبی انجام شده است. برای نمونه، رجوع کنید به کیرمن (۱۹۹۲، ۲۰۱۰).

به صورت کلی، شیوه ارجاع دهی به مقالات و اسامی غلط است. اول اینکه تقریباً تمامی اسامی به انگلیسی در متن قرار دارند. درحالی‌که رسم بر این است که اسامی به فارسی نوشته شوند و انگلیسی آن در پانویس قرار گیرد. دوم اینکه تقریباً هر جا از منبعی با

دو نویسنده استفاده شده در ارجاع به منبع از «et al» استفاده شده است و بررسی منابع نشان می‌دهد که گویا نوشتن «et al» از نوشتن نام دیگر محقق راحت‌تر بوده است. برای مثال رجوع کنید به صفحه ۲۹۳، ۳۲۴، ۳۶۸. علاوه بر این، در صفحه ۳۷۴ در ارجاع دهی به مقالات فارسی اسامی هر سه محقق به صورت کامل آورده شده است. در برخی موارد هم ذکر مأخذ فراموش شده است. برای مثال، در صفحه ۴۱۷ صحبت از مثالی می‌شود که در جدول ۱۰-۸ آمده است. این جدول به صورت کامل از مقاله باربریس و همکاران (۱۹۹۸) برداشته شده است و منبع آن ذکر نشده است. در صفحه ۲۰ هم جمله «برای حل این مسائل در تقسیم بندی روی ویتراپ، اقتصاد نئوکلاسیکی بر سه فرضیه اصلی تکیه زده است، هرچند شاخه‌های متعدد ممکن است دارای رهیافت‌های متفاوت دیگری نیز باشند (Fonseca, 2009)»^۱ از ویکی‌پدیای انگلیسی است و ارجاع موجود در آن اشتباه است.

۳,۵ نقد وضعیت تحلیل و بررسی

با وجود اینکه کتاب به انسان اقتصادی و رفتار عقلایی و تقابل آن با نظریه‌های رفتاری می‌پردازد، اما به تناقضات نظریه‌های رفتاری نمی‌پردازد و از این حیث جامع نیست. از طرف دیگر، مطالب کتاب بسیار گسترده و پراکنده هستند و هیچ تلاشی برای فراهم کردن بستری کلان برای مطالب ارائه شده صورت نگرفته است. برای مثال با وجود اینکه یک فصل کتاب به پدیده‌های فراواکنشی و کم‌واکنشی پرداخته است، ای پدیده‌ها را در بستر شرایط غلبه بر بازار مطرح نکرده است. متأسفانه، در بسیاری از موارد کتاب مستند نیست و ادعاهایی مطرح می‌شود که یا منبع ندارند و یا غلط هستند. برای مثال، ادعای مطرح شده در صفحه ۲۵۳ که «افراد دارای ضریب هوشی بالا در زمان استفاده از سیستم شهودی با احتمال بیشتر به نتیجه مطلوب می‌رسند» غلط است. حداقل شواهد ارائه شده در کاهنمن (۲۰۱۱) به طور ضمنی عکس این را نشان می‌دهند. برای مثال، مطالعات کاهنمن و فردریک نشان می‌دهند که بیش از نیمی از دانشجویان دوره دکتری در بهترین دانشگاه‌های آمریکا هم در مواجهه با آزمون‌های شناختی از سیستم ۱ استفاده می‌کنند و اشتباه می‌کنند.

در صفحه ۴۱ هنگامی که نظریه مطلوبیت مورد انتظار ارائه می‌شود، از «فرض بنیادین» به جای «اصول موضوعه» استفاده می‌شود و اصول موضوعه ارائه شده هم برداشت شخصی نویسندگان هستند و برخی از آن‌ها مانند اصل موضوعه استقلال غلط هستند. علاوه بر این،

هر متن تخصصی پیرامون نظریه‌های تصمیم‌گیری تحت ریسک، با روش ارائه موقعیت‌های ریسکی آغاز می‌شود. در علم اقتصاد، موقعیت‌های ریسکی به صورت انتزاعی در قالب بخت‌آزمایی ارائه می‌شوند. متأسفانه کتاب، نوع نمایش و علائم بخت‌آزمایی‌ها را ارائه نکرده است. از طرف دیگر، اصلاً مشخص نیست که چرا مدل قیمت‌گذاری دارایی سرمایه‌ای به صورت خام ارائه نمی‌شود و بر اساس مصرف ارائه می‌گردد. در توضیحات ارائه شده برای این مدل هم نویسندگان فرض می‌کنند که خوانندگان به این مدل‌ها آشنایی دارند و ذکر نمی‌کنند که این مدل فرض می‌کند که دارایی‌ها برای تعدیل جریان مصرف در طول عمر خریداری می‌شوند. به همین دلایل، خواننده ناآشنا با این مفاهیم به هیچ وجه نمی‌تواند از مطالب ارائه شده استفاده کند.

نقد ریاضی زدگی در صفحه ۵۰ بسیار سطحی است، زیرا استفاده از ریاضیات پیچیده در اقتصاد به معنی این نیست که اقتصاددانان تصور می‌کنند که افراد در ذهن خود معادلات ریاضی را حل می‌کنند بلکه اقتصاددانان معتقدند که مدل‌های ریاضی تقریب خوبی از واقعیت هستند. اصولاً موارد تشکیک در نظریه‌های اقتصاد و مالی متعارف، ادبیات گسترده‌ای دارد و با وجود اینکه این موضوع مهم‌ترین بخش فصل اول است به تفصیل به آن پرداخته نشده است.

جمله «در ادبیات مالی رفتاری، تمایل گریز از زیان، جایگزین ریسک‌گریزی شده است» در صفحه ۳۲۳ غلط است. تصمیم‌گیری تحت ریسک ادبیات بسیار غنی‌ای دارد و اصولاً رفتار تحت ریسک طبق نظریه چشم‌انداز به چهار دسته تقسیم می‌شود. برای نمونه، مثال ۱ صفحه ۳۲۵ مصداق ریسک‌گریزی است و نه زیان‌گریزی. اصولاً برای محاسبه زیان‌گریزی احتیاج به مقایسه رفتار در دامنه برد و باخت است. از طرف دیگر، در توضیح ویژگی زیان‌گریزی نوشته شده که «تمایل به پرهیز از زیان از تمایل به کسب سود بیشتر است» که به هیچ وجه معنی زیان‌گریزی نیست. درجایی دیگر زیان‌گریزی به عنوان متری برای بده-بستان میان ریسک و بازده استفاده شده است، درحالی که زیان‌گریزی برای تفاوت رفتار در دو بافتار برد و باخت تعریف شده است و این برداشت شخصی نویسندگان است. در همین صفحه وقتی صحبت از ارتباط زیان‌گریزی و افسوس‌گریزی می‌شود هیچ اشاره‌ای به نقطه مرجع که متصل‌کننده آن‌ها است نمی‌شود. علاوه بر این، در تعریف وابستگی به مرجع در صفحه ۳۳۶ عنوان می‌شود که ارزش ثروت تصمیم‌گیرنده به

سطح ثروت اولیه او بستگی دارد. این در حالی است که ثروت اولیه به عنوان یکی از نقاط مرجع توجیه شده است و در همه بافتارها چنین نیست.

۴,۵ نقد و تحلیل میزان نوآوری و روزآمدی اثر

با توجه به اینکه بسیاری از مطالب کتاب مبانی اقتصاد و مالی رفتاری قبلاً در فارسی موجود نبوده‌اند، کتاب روزآمد است، اما فاقد نوآوری است. کتاب به ترجمه گزینشی مطالب موجود در اقتصاد و مالی رفتاری پرداخته است و ساختار یا چارچوب جدیدی را ارائه نمی‌کند. به همین دلیل بخش‌ها و فصل‌های کتاب متصل نیستند. برای مثال تقریباً تمامی مطالب صفحه ۳۶ ترجمه شده است و به علت ایراد در ترجمه، فهم مطالب دشوار است. اول اینکه محور عمودی نمودار ۱-۳ باید بازدهی/قیمت می‌بود. همچنین عنوان خط سمت راستی باید واکنش بازار کارا می‌بود. این نمودار از کتاب مالی شرکت‌ها نوشته راس و همکاران (۲۰۰۸) برداشته شده است. در همین صفحه، در پانویس اول صحبت از پرتاب تاس می‌شود و سپس از نتایج آن با عناوین شیر و خط که مربوط به پرتاب سکه است استفاده می‌شود. این اشتباه در صفحه ۲۶۵ هم تکرار شده است.

۵,۵ نقد و تحلیل میزان انطباق و جامعیت اثر

متأسفانه در برخی از موارد محتوای اثر با عناوین و فهرست تهیه شده سازگاری ندارد. برای مثال فصل نهم تحت عنوان چارچوب شناختی هیچ ربطی به علوم شناختی ندارد و واژه شناخت در آن کاملاً گمراه کننده است. کتاب از بابت نپرداختن به نظریه‌های رقیب که هم‌زمان با نظریه‌های مطرح رفتاری توسعه پیدا کرده‌اند و یا مستندات تجربی که برخی از نظریه‌های رفتاری را رد می‌کنند اصلاً جامع نیست. از سوی دیگر، برخی از یافته‌های رفتاری بدون پرداختن به بنیان‌های نظری آن‌ها ارائه شده‌اند. برای مثال، نویسندگان در صفحه ۳۱۸ سوگیری «افسوس‌گریزی» را مطرح می‌کنند، اما در فصل ششم هیچ اشاره‌ای به این نظریه نمی‌کنند.

۶,۵ تحلیل چگونگی بهره‌گیری از ابزارهای لازم علمی

کتاب در نحوه استفاده از برخی از ابزارها موفق نبوده است. برای مثال، با وجود اینکه جامعیت صوری هر فصل مناسب است، اما استفاده از بسیاری از نمودارها توجیهی ندارد و نه تنها به فهم مسئله کمک نمی‌کند بلکه حواس خواننده را پرت می‌کند چراکه گویی مطلبی را جا انداخته است. در برخی موارد محورها به اشتباه نام‌گذاری شده‌اند و در برخی موارد در داخل متن هیچ ارجاعی به نمودارها وجود ندارد.

۷,۵ نقد و تحلیل میزان دقت در کاربرد اصطلاحات تخصصی و معادل‌ها

نویسندگان محترم تلاش زیادی برای معادل‌سازی انجام داده‌اند و اغلب موارد استفاده‌شده واضح و معتبر هستند، اما برخی معادل‌سازی‌ها ناآشنا هستند و فهم مطالب را دشوار می‌کنند. برای مثال، از معادل‌های «بین‌زمانی» و «دورنما» به جای «در طول زمان» و «بخت‌آزمایی» استفاده شده است. واژه دورنما برای «Prospect» هم استفاده شده است. برای واژه «Uncertainty» از «نامطمئن» استفاده شده است که رایج نیست. اکثر افراد از «نااطمینانی» و یا «عدم قطعیت» استفاده کرده‌اند. در ادبیات اقتصادی «Utilitarianism» به «مطلوبیت‌گرایی» ترجمه شده است و از معادل‌های «سودمندگرایی» و «کارکردگرایی» استفاده نمی‌شود. حتی در علوم اجتماعی هم از واژه «فایده‌گرایی» استفاده می‌شود. در صفحه ۲۹ «Free Cash Flow to equity» به «جریان‌های نقد آزاد آینده سهامداران» ترجمه شده است. هم‌ضمیرهای جمع اضافه هستند و هم در عبارت انگلیسی هیچ صحبتی از آینده نیست. معادل درست‌تر «جریان نقدی آزاد سهام» است. صفحه ۲۹۹ انتخاب معادل «باورگرایی» برای «Confirmation» با توجه به معنی آن کمی عجیب به نظر می‌رسد. نویسندگان در توضیح این سوگیری هم از لغاتی مانند «تأیید» و «تصدیق» استفاده می‌کنند. حتی در صفحه ۳۰۰ از تورش تأیید صحبت می‌شود که مشخص نیست همان «Confirmation» است یا خیر. بهتر بود نویسندگان از «مطلوبیت مورد انتظار» به جای «مطلوبیت انتظاری» استفاده کنند. استفاده از «مطلوبیت انتظاری» فقط در میان اقتصاددانان رواج دارد که دقیق نیست. همچنین در معرفی این نظریه بنیادی از «تابع ارزش» به جای «تابع مطلوبیت» استفاده شده است، در حالی که تابع ارزش مربوط به نظریه چشم‌انداز است.

برای برخی از واژه‌ها از بیش از یک معادل استفاده شده است که سازگاری متن را دچار خدشه می‌کند. با وجود اعلام دو معادل برای «Endowment effect»، نویسندگان گاهی از «اثر مالکیت» و گاهی از «خود داشته بیش‌نگری» استفاده می‌کنند که یادگیری خواننده را کند می‌کند. علاوه بر این، در ترجمه واژه «Overconfidence» از معادل‌های «خودفریبی» و «بیش اطمینانی» به صورت صریح و از «اعتماد بیش‌ازحد» به صورت ضمنی استفاده شده است. در ادامه مدخل «Overconfidence»، صحبت از بیش واکنشی می‌شود که منظور همان بیش اطمینانی است. در ترجمه «Accessibility» در صفحه ۲۵۵ از «دسترسی» استفاده شده است که بیشتر معادل «Availability» در نظر گرفته شده بود. در صفحه ۱۰ واژه «Heterodox» در پانویس به «گمراهی» ترجمه شده است که غلط است. در نهایت، برای «Loss aversion» در صفحه ۲۸۸ یک‌بار از «گریز از زیان» و بار دیگر از «زیان‌گریزی» استفاده شده است.

۸,۵ کاربرد اثر در برنامه‌های آموزشی

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، کتاب مورد بررسی در معرفی نظریه‌ها بسیار موجز است و به علت عدم تمرکز بر اصول موضوعه و فرض‌های نظریه‌ها، برای آموزش در دانشگاه‌ها چندان مفید نیست. کتاب برای رجوع به مفاهیم و آشنایی با یافته‌های اقتصاد و مالی رفتاری بسیار مناسب است، اما برای آشنایی با نحوه تحقیق و پژوهش در این حوزه مناسب نیست. با توجه به حجم وسیع مطالب گردآوری شده، هر خواننده‌ای با قسمتی از کتاب ارتباط برقرار می‌کند و از آن دسته کتاب‌هایی است که اگر در کتابخانه موجود باشد، در موارد متعددی به آن رجوع می‌شود.

۶. نقد و تحلیل روش شناختی

کتاب مبانی اقتصاد و مالی رفتاری به کمک شواهد آزمایشگاهی در اقتصاد، روانشناسی و علوم شناختی، موارد نقض فرض انسان اقتصادی عقلایی در اقتصاد و مالی نئوکلاسیک را نشان می‌دهد. نویسندگان با فراهم کردن فهرستی از انواع سوگیری‌ها و خطاها، تجویزهایی برای مقابله با آن‌ها فراهم می‌کنند. این تجویزها معتبر نیستند زیرا نویسندگان ثابت نکرده‌اند که مقابله با سوگیری‌ها بهترین اقدام ممکن است و فرض می‌کنند که افزایش اطلاعات

باعث تغییر رفتار می‌شود. در حالیکه برای مثال، کلی و بارکر (۲۰۱۶) می‌نویسند در حوزه سلامت افزایش اطلاعات باعث تغییر رفتار نمی‌شود.^۲

متأسفانه تمرکز کتاب مشخص نیست. نویسندگان نه ابعاد نظری اقتصاد و مالی رفتاری را به صورت منسجم و نظام‌مند ارائه کرده‌اند و نه ابعاد کاربردی و تجربی آن را. برای مثال، در صفحه ۳۴ که صحبت از کارایی بازار می‌شود، از چند روش متداول آزمون کارایی بازار نام برده می‌شود، اما بدون هیچ توضیحی درباره روش‌های مذکور و مقایسه میان آن‌ها از سه روش دیگر صحبت می‌شود. برخی برداشت‌های شخصی و تجویزهای بدون پشتوانه علمی در کتاب ارائه شده است که اعتبار اقتصاد و مالی رفتاری را خدشه‌دار می‌کند.

۷. نتیجه‌گیری

با توجه به ناشر کتاب می‌توان فرض کرد که مخاطبان کتاب مبانی اقتصاد و مالی رفتاری سرمایه‌گذاران و مشاوران سرمایه‌گذاری هستند. افراد فوق با مطالعه این کتاب می‌توانند با انواع سوگیری‌های رفتاری آشنا شوند. اینکه چقدر این راهنما می‌تواند در سرمایه‌گذاری مفید واقع شود پرسشی تجربی و وابسته به خصوصیات افراد است، اما بسیاری از سوگیری‌های رفتاری اثرات نامتقارنی دارند و در کتاب مشخص نشده است که اثر کدام‌یک غالب است. به عبارت دیگر، حجم شواهد و مطالب گردآوری‌شده تأمل‌برانگیز است، اما گویا فراموش شده است که هدف غایی شناخت سوگیری‌های رفتاری چیست. اگر فرض کنیم که هدف سرمایه‌گذاران استفاده از این مطالب برای کسب سود بیشتر است، کتاب موفق به پیگیری این هدف نشده است. در بسیاری از موارد پس از معرفی سوگیری‌ها به ارائه تجویزهایی بسنده شده و نحوه کاربست حجم عظیم سوگیری‌ها و تناقضات مشخص نشده است. متن کتاب روان است، اما اشتباهات متعدد نگارشی و ایرادات در ترجمه در بسیاری از موارد فهم مطالب را دشوار کرده است و از این جهت احتیاج به بازنگری دارد.

۸. پیشنهادهای کاربردی

کتاب مبانی اقتصاد و مالی رفتاری ظرفیت بسیار خوبی دارد و می‌تواند برای افزایش فهم‌پذیری مخاطبان خود تغییراتی را ایجاد کند. برای خوانندگان ناآشنا با مباحث، بهتر است

که نظریه و مدل‌های مرجع و نحوه عظیمت از آن‌ها به مدل‌های رفتاری شرح داده شود. بی‌طرفی علمی حکم می‌کند انتقادات وارد شده به نظریه‌های رفتاری هم مطرح شوند. از طرف دیگر، معرفی آزمون‌های تشخیصی و مطالعات موردی برای شناخت انواع سوگیری‌ها به کاربردی شدن کتاب کمک بسیاری می‌کند. برای روان شدن متن، لازم است نمودارهای اضافی حذف شوند. در نهایت، باید بستری کلان برای قرار گرفتن این مطالب در کنار هم فراهم گردد.

پی‌نوشت‌ها

1. It was expressed by [E. Roy Weintraub](#) that neoclassical economics rests on three assumptions, although certain branches of neoclassical theory may have different approaches.
۲. یافته‌های منتشر نشده کاترین میلکمن و آنجلا داکورث (Katherine Milkman and Angela Duckworth) هم نشان می‌دهند که افزایش اطلاعات موثر نیست.

کتاب‌نامه

سعیدی، علی؛ فرهانیان، سید جواد (۱۳۹۴). *مبانی اقتصاد و مالی رفتاری*. چاپ دوم، تهران: انتشارات بورس.

- Barberis, N., Shleifer, A., & Vishny, R. (1998). "A model of investor sentiment". *Journal of financial economics*, 49(3), 307-343.
- Brooks, C. (2014). *Introductory econometrics for finance*, 3rd Edition. Cambridge university press.
- De Bondt, W. F., & Thaler, R. (1985). "Does the stock market overreact?" *The Journal of finance*, 40(3), 793-805.
- Fama, E. F., & French, K. R. (2015). "A five-factor asset pricing model". *Journal of financial economics*, 116(1), 1-22.
- Kahneman, D. (2011). *Thinking, fast and slow*. Macmillan.
- Kahneman, D., & Tversky, A. (1979). "Prospect theory: An analysis of decision under risk". *Econometrica*, 47(2), 363-391.
- Kelly, M. P., & Barker, M. (2016). "Why is changing health-related behaviour so difficult?" *Public health*, 136, 109-116.
- Kirman, A. (2010). "The economic crisis is a crisis for economic theory". *CESifo Economic Studies*, 56(4), 498.

- Kirman, A. P. (1992). "Whom or what does the representative individual represent"? *Journal of economic perspectives*, 6(2), 117-136.
- Ross, S. A., Westerfield, R., & Jordan, B. D. (2008). *Fundamentals of corporate finance*. Tata McGraw-Hill Education.
- Rodrik, D. (2015). *Economics rules: Why economics works, when it fails, and how to tell the difference*. OUP Oxford.
- Statman, M. (2014). "Behavioral finance: Finance with normal people". *Borsa Istanbul Review*, 14(2), 65-73.
- Thaler, R. H. (2015). *Misbehaving: The making of behavioral economics*. New York: WW Norton.